

قرض الحسنه رستگاری بزرگ

سید جعفر شاه نوری



زندگی اجتماعی اقتضائاتی دارد که از جمله آن ها همکاری و پاسخ به نیازهای هم نوع است. انسان به گونه ای آفریده شده که دست کم در حوزه ی عاطفه و احساسات، نیازمند محبت و مودت دیگری است. این وابستگی انسان به هم نوع موجب می شود تا ارتباطات انسانی معنا و مفهومی دیگر بگیرد. از جمله نیازهای انسانی، نیازهای مادی است؛ ولی از آن جایی که شرایط زیستی برای همگان یکسان نیست، برخی نیاز بیش تری به کمک و یاری دیگران دارند. پاسخ گویی به این نیاز مادی می تواند به اشکال چندی صورت گیرد. برخی در برابر کمکی که می کنند، چیزی نمی خواهند که این را ایثار، احسان و بخشش می گویند؛ برخی

دیگر، کمک متقابلی در همان حد و اندازه می‌خواهند؛ و اما برخی دیگر، فراتر از کمکی که کرده‌اند متوقع هستند و بر این کار الزام می‌کنند. آنچه در فرهنگ اسلامی از آن به نزول خواری و رباخواری یاد می‌شود، همان رفتار گروه سوم است که خداوند از آن نهی کرده و به عنوان محاربه و جنگ با خدا از آن یاد نموده است. رفتار گروه دوم به عنوان قرض الحسنه یا وام نیکو می‌باشد که همانند رفتار گروه اول از سوی خداوند ستوده شده است.

قرض الحسنه، همیاری عمومی در اجرای عدالت:

یکی از مفاهیم اصلی و کلیدی در فرهنگ اسلامی، عدالت است. خداوند در آیاتی از جمله آیه ۲۵ سوره حدید، دعوت به عدالت و اجرای آن از سوی توده‌های مردم به واسطه‌ی مدیریت قوانین و حیانی و عقلانی از سوی انسان‌های کامل را از وظایف همه پیامبران و یکی از مأموریت‌ها و اهداف بعثت دانسته است؛ زیرا دست‌یابی به جامعه‌ای برابر و فرصت‌های یکسان برای متأله و خدایی و ربانی شدن و رسیدن به قله خلافت الهی و مظهر ربوبی تنها در سایه‌ی عدالت امکان‌پذیر است.

خداوند خواهان عدالت در همه ابعاد و اشکال مختلف است و عدالت فراگیر و همگانی را خواهان است. از این رو اصل عدالت، اصل حاکم بر تمامی قوانین و احکام اسلامی است، به گونه‌ای که اگر حکمی برخلاف عدالت باشد، از گردونه خارج می‌شود و اجرای آن متوقف می‌گردد؛ زیرا یا از ریشه باطل بوده یا اینکه شرایط اجرایی خود را از دست داده است؛ چرا که هیچ حکمی نمی‌تواند بر اصل عدالت حاکم شود و آن را مردود یا تعطیل نماید. از جمله روش‌هایی که

از سوی خداوند برای تحقق عدالت همه سویه مورد توجه و تأکید قرار گرفته،

وام و قرض نیک به جای وام مضاعف و رباخواری است که وام قبیح و زشت بلکه گناه بلکه جنگ با خداوند دانسته شده است. هدف از وام بی‌بهره یا همان قرض الحسنه، ایجاد شرایط عادلانه در توزیع ثروت و سرمایه و بهره‌مندی همگان از سرمایه‌های دنیوی برای بهبود شرایط زیستی و فراهم آوری بستر لازم و مناسب برای خدایی و ربانی گشتن است.

قرض الحسنه و وام بی‌بهره به سبب این که از سوی همه افراد جامعه در همه سطوح مالی و ثروت انجام می‌گیرد، نوعی همیاری عمومی در اجرای عدالت مادی و اقتصادی است؛ زیرا هر کسی با توجه به میزان ثروت و قدرت اقتصادی خود، به دیگری کمک می‌کند تا وضعیت زندگی دیگر را همانند زندگی خویش را بهبود بخشد و نیازهای مادی دیگران را نیز برآورده سازد. از این رو از سوی خداوند این عمل بسیار ستوده و تشویق شده و حتی مهم‌تر و باارزش‌تر از احسان

و بخشش دانسته شده است؛ زیرا در بخشش و احسان، شخص مبلغی را در اختیار می‌گیرد و آن را مصرف می‌کند؛ ولی در وام نیک و بی‌بهره، شخص گیرنده خود را موظف به پرداخت اصل وام می‌داند، از این رو، وام‌گیرنده آن را سرمایه خویش قرار می‌دهد تا افزون بر برآوردن نیازهایش، امکان پرداخت اصل وام را بیابد.

به سخن دیگر، وام بی‌بهره و قرض الحسنه به افراد کم‌درآمد و نیازمند کمک می‌کند تا در حوزه تولید دست به تلاش زنند و در آبادانی زمین نقش ایفا نمایند. لذا همه افراد جامعه دست در دست هم به ساخت تمدنی و آبادانی جامعه کمک می‌کنند.

خداوند، سپاسگزار قرض نیک‌دهنده:

وام ربوی، وامی است که وام‌دهنده با پول و ثروت خویش، کار می‌کند. این‌گونه وام‌ها به سبب اینکه در چرخه تولید اختلال ایجاد می‌کند، از نظر اسلامی مردود شمرده شده و برخلاف حکم خردمندان و عقلاء بوده و شریعت اسلامی آن را تخطئه کرده است. اصولاً اقتصاد سالم، اقتصاد تولید و گردش سالم ثروت در میان همه اقشار مردم است؛

در حالی که وام ربوی اجازه نمی‌دهد تا این جریان به شکل ناسالم خود ادامه یابد. در وام ربوی، نزول خوار و ربا دهنده بدون تلاش، به انباشت ثروت مردم مبادرت می‌ورزد و پول

را که ابزار مبادلات اقتصادی است به عنوان کالا خرید و فروش می‌کند. در حالی که نمی‌توان ابزار مبادله را به عنوان خود کالا قرار داد. از آنجایی که نزول خوار در وام ربوی در اندیشه انباشت مضاعف ثروت و سرمایه خویش است، خداوند وام بی‌بهره را مایه برکت دانسته و وعده‌ی پاداش



مضاعف را به وام دهنده می دهد. به سخن دیگر، از نظر خداوند، تضاعف سرمایه و ثروت از طریق نزول خواری به دست نمی آید، بلکه از طریق وام بی بهره تحقق می یابد؛ زیرا خداوند رب العالمین است و ربوبیت او موجب می شود که افزایش واقعی ثروت و سرمایه در وام بی بهره باشد. وام بی بهره، به سبب اینکه فرصت های برابر برای همگان فراهم می آورد و محبت و مودت را در میان افراد جامعه می افزاید و همکاری را به همدلی تبدیل می کند، از سوی خداوند امری محبوب و پسندیده دانسته شده و وعده پاداش مضاعف به وام دهنده داده شده است. (بقره، آیه ۲۴۵) خداوند وام بی بهره را پیش از گرفتن وام گیرنده در دست می گیرد و موجبات برکت و بهره مندی وام دهنده از وام می شود؛ زیرا این وام موجبات شکرو سپاس خداوندی را فراهم می آورد. (تغابن، آیه ۱۷)

به سخن دیگر، در وام بی بهره، خداوند است که از بنده وام دهنده خویش تشکر و سپاس به عمل می آورد. این در حالی است که همه وجود و امکانات هر آفریده ای از آن خداوند است که مالک حقیقی جان و مال بنده، اوست، با این همه، این خداوند است که از بنده خویش تشکر می کند و به سپاس از وی می پردازد که چنین اقدام خیرخواهانه و عادلانه ای انجام داده و در مقام مجرای فیض الهی نشسته است.

از نظر قرآن، پرداخت وام بی بهره همانند هر عبادت محض دیگری چون نماز و زکات است؛ از این رو وام بی بهره و قرض الحسنه را در کنار اقامه نماز و پرداخت زکات قرار داده و به انجام این سه گانه عبادی فرمان می دهد. (مزل، آیه ۲۰)

وام بی بهره خود دارای حسن فعلی است و عملی صالح و نیک شمرده می شود، اگر این حسن فعلی با حسن فاعلی و نیت اخلاص و قرض به خداوند همراه شود، از مطلوبیت بالایی برخوردار خواهد شد و اثرات شگرفی در زندگی دنیوی و اخروی و نیز مادی و معنوی شخص و جامعه به جا خواهد گذاشت.

همین اخلاص و قرض دهی به خداوند و حسن فاعلی، موجب می شود تا وام دهنده نسبت به وام گیرنده سخت گیر نباشد و در صورت ناتوانی در پرداخت در موعد مقرر به او مهلت می دهد یا در صورت عدم تمکن مالی از پرداخت، نسبت به گرفتن آن خودداری می کند و وام را بر او می بخشد. (بقره آیه ۲۸۰)

از نظر خداوند، مهلت دادن به وام گیرنده و بدهکار تنگدست تا هنگام توانایی و قدرت پرداخت بدهی خویش، امری واجب و عفو و بخشش نسبت به ناتوان امری مستحب است. اگر کسی با چنین حسن فاعلی و اخلاص با وام بهره برخوردار شود، خداوند نه تنها گناهان وی را می بخشد (حدید، آیه ۱۱ و تغابن، آیه ۱۷) و سیئات و زشتی های اعمالش را می پوشاند (مائده،

آیه ۲۱) بلکه به او پاداش عظیم و ۱۱ و ۱۸) و چند برابر از خزانه غیب خود به او شمارش پاداش برای او در نظر می‌گیرد (بقره، بزرگ و کامیابی در بهشت جاودان بهره‌مند می‌سازد (مائده آیه ۱۲ و حدید، آیات ۱۱ و ۲۱) از این رو خداوند از بندگان خویش می‌خواهد تا دیگران را در اشکار و نهان به وام بی‌بهره دادن تشویق کنند و در گفت‌وگوهای محرمانه خود به این کار بسیار شایسته و پسندیده دعوت نمایند. (نساء، آیه ۱۱۴)

وام بی‌بهره از منظر روایات:

رسول خدا ﷺ درباره اهمیت و ارزش وام بی‌بهره و قرض نیکومی فرماید: کسی که به برادر مسلمانانش قرض بدهد، به اندازه هر درهمی که به او می‌دهد به بزرگی کوه احد «از کوه‌های رضوی و طور سینا»، برای او پاداش‌هایی هست و اگر در مورد گرفتن طلب خود با آن مؤمن، مدارا و رفاقت کند، همانند برق خیره‌کننده و درخشان، بدون حساب از روی پل صراط بگذرد.

امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرموده است: هر مسلمانی که برای رضای خدا به مسلمانی قرض الحسنه بدهد، حتماً خداوند پاداش آن را مانند پاداش صدقه دادن حساب می‌کند، تا هنگامی که آن قرض به او باز گردد.

پیامبر اکرم ﷺ در حدیثی دیگر فرمود: کسی که به مؤمنی تا مدتی که او توان ادای آن را داشته باشد، قرض بدهد، مال او به عنوان زکات است (و ثواب زکات را دارد) و قرض دهنده تا هنگام ادای قرض، مشمول سلام‌های فرشتگان است.

در حدیث است که هرگاه جنازه‌ای را می‌آورند که رسول خدا ﷺ بر او نماز گزارد، حضرت از هیچ یک از اعمال او نمی‌پرسیدند، جز آنکه از بدهکاری و حق الناس، اگر می‌گفتند: این شخص مدیون است، حضرت بر او نماز نمی‌کرد و هرگاه مدیون نبود بر او نماز می‌گزارد. روزی جنازه‌ای آوردند، هنگامی که حضرت مہیای تکبیر شد، پرسید: آیا این شخص به کسی بدهکار نیست؟ گفتند: دو دینار بدهکاری دارد. حضرت عقب رفته و نماز نخواند. امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد: یا رسول الله! این دو دینار بر عهده من و ضامنم که آن را به صاحبش بپردازم. رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس قدرت و توانایی مالی داشته باشد و برادر مسلمان او نیازمند کمک وی باشد اما برای وام دادن به او اقدام نکند، بوی بهشت برایش حرام خواهد شد.

عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام از رسول امین روایت کرده است که فرمود: بسی دوست تر دارم، هزار درهم را دوباره قرض بدهم تا یک بار آن را در راه خدا صدقه بدهم.